



معناشناسی افعال از خلال تضمین نحوی و برابرهایی آن در ترجمه‌های مکارم و مشکینی (مطالعه موردی در سوره مبارک بقره)

(تاریخ دریافت: ۹۷/۴/۵؛ تاریخ پذیرش ۹۷/۶/۳)

دکتر بهمن هادی‌لو*

چکیده

ترجمه یکی از مهم‌ترین ابزار رسانه‌ای است که بشر برای انتقال مفاهیم از زبان مبدا به زبان مقصد، از آن بهره می‌برد. یکی از اسلوب‌های مهمی که در فهم فحوای متن قرآن کریم مطرح می‌باشد، تضمین نحوی است. تضمین از احوال لفظ و دارای معانی متفاوتی از جمله اعطای معنای چیزی به چیز دیگر است؛ به بیان دیگر، قرار دادن لفظی به جای لفظ دیگر به سبب اینکه معنای آن را می‌رساند. این قاعده هم در افعال، هم در اسماء و هم در حروف در گستره زبان و ادبیات عرب مشاهده می‌شود. تضمین نحوی در فعل این است که فعلی متضمن معنای فعل دیگری باشد و یک لفظ بر دو معنا دلالت نماید. این نوشتار به روش توصیفی - تحلیلی در صدد بررسی واژه‌شناسی افعالی است که دارای تضمین نحوی بوده و نیز به تطبیق معانی و برابرهایی فارسی آن در ترجمه‌های مکارم و مشکینی می‌پردازد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد ۱۸ فعل از افعال سوره مبارک بقره دارای تضمین نحوی است که در هیچ یک از ترجمه‌های مذکور، جز در برخی موارد، به آن‌ها پرداخته نشده و معنای اولیه افعال به ترجمه انتقال داده شده است.

واژگان کلیدی: تضمین نحوی، ترجمه افعال، سوره بقره، ترجمه مشکینی، ترجمه مکارم.

سال اوّل

شماره دوم

پیاپی: ۲

بهار و تابستان

۱۳۹۷

۱- مقدمه

قرآن کریم به عنوان کتابی جامع و مانع از همان ابتدای مورد توجه طبقات مختلف جامعه بشری قرار گرفته و هر کسی به تناسب ظرفیت وجودی خویش از آن بهره برده است. در این میان، قشر خاصی از جامعه، از نگرش ظاهری به قرآن گذر کرده و به عمق و باطن قرآن توجه نمودند که در نتیجه آن بسیاری از علوم برای درک بهتر این کتاب آسمانی پدیدار شد که از جمله آن می‌توان علم صرف و نحو، علم بلاغت، علم فقه اللغة و علم تفسیر را بر شمرد. یکی از اصطلاحاتی که در شناسایی معنای صحیح کلمات به وجود آمد، تضمین نحوی بود که می‌توان آن را به علم بلاغت و مفردات مربوط دانست. تضمین نحوی به عنوان یک اصل در میان دانشمندان پذیرفته شده است، اما با بررسی ترجمه‌های قرآن کریم ملاحظه می‌شود که برخی از مترجمان به این اصطلاح وفادار نیستند. این در حالی است که برای انتقال مفهوم و پیام متن از زبان مبدا به زبان مقصد، شناخت و به کارگیری عناصر دستوری و ساختاری زبان مبدا ضروری به نظر می‌رسد. مقاله حاضر به بحث و بررسی تضمین نحوی پرداخته و افعال سوره بقره را از منظر میزان توجه مترجمان به تضمین نحوی مورد ارزیابی قرار داده است. برای این منظور مطالعه و بررسی ترجمه‌های آقایان مکارم شیرازی و مشکینی در دستور کار قرار گرفته است که در ردیف ترجمه‌های محتوایی یا هسته به هسته، معنوی و امین و محتوا به محتوا می‌باشند. هدف اساسی در این نوع ترجمه‌ها انتقال دادن معنا، محتوا و پیام متن مبدأ و نیز روان بودن و عامه فهم بودن متن مقصد می‌باشد؛ به عبارت دیگر آنچه در ترجمه معنایی اهمیت دارد، پیام و محتوای متن مبدأ و ساختارهای زبان مقصد است. در این شیوه ترجمه، کوشش مترجم بر آن است تا راهی میانه بین افراط و تفریط برود؛ یعنی نه روش ترجمه تحت‌اللفظی و نه شیوه آزاد را بییماید، بلکه سعی می‌کند تا پیام و هدف اصلی متن را برای مخاطب بیان کند؛ ضمن آنکه تلاش می‌کند تا خصوصیات لفظی متن اصلی را در قالب جمله‌ای بازسازی کند و به زبان مقصد انتقال دهد. در این نوع ترجمه، ساختارهای خاص زبان مبدأ به ندرت در زبان مقصد نفوذ می‌کنند. انسجام گفتاری و ترتیب عناصر دستوری به دلیل تعهد این نوع ترجمه به زبان مقصد و ساختارهای آن برقرار است. نهایت آنکه از نظر معنایی معمولاً میان متن مقصد و متن مبدأ تعادل وجود دارد، اما از نظر زبانی به ویژه دقایق و ظرایف لفظی، صرفی، بلاغی و نحوی، تعادل کامل و کافی برقرار نیست.

۱-۱- بیان مسأله

عدم توجه به ساختار و بافت نحوی و بلاغی قرآن کریم یکی از مشکلات شایع در ترجمه‌هاست که در اغلب ترجمه‌ها به چشم می‌خورد. تضمین نحوی از جمله سبک‌هایی

است که در محافل علمی - ادبی دانشگاهی کمتر بدان پرداخته می‌شود و آثار این غفلت یا کم‌توجهی در ترجمه‌های قرآن کریم، به‌ویژه ترجمه‌های معاصر، هویداست و گاهی موجب اشتباهات آشکاری در ترجمه شده است. شناخت شاخصه‌ها و سبک‌های زبان عربی در ترجمه قرآن کریم یکی از بایسته‌هایی است که یک مترجم بدان نیاز دارد. تضمین نحوی از اسالیبی است که بدون توجه بدان ترجمه از نقص و کاستی مبرا نخواهد بود. بنابراین ننگاشته حاضر در پی شناسایی تضمین نحوی در افعال سوره مبارک بقره و ارزیابی ترجمه‌های مکارم و مشکینی از نظر رعایت اسلوب مذکور می‌باشد.

۱-۲- پرسش‌های پژوهش

این پژوهش در پی دستیابی به پاسخی مناسب برای پرسش‌های زیر می‌باشد:

۱- تضمین نحوی چیست؟

۲- آیا در سوره مبارک بقره افعالی وجود دارد که دارای تضمین نحوی باشد؟

۳- در ترجمه‌های مشکینی و مکارم تا چه اندازه به اسلوب تضمین نحوی توجه شده است و آیا مترجمان در به کار بردن معادل‌های مناسب برای لفظ مضمّن موفق بوده‌اند؟

۱-۳- پیشینه پژوهش

قرآن کریم خود به جهت جایگاه والا و اهمیت بسزا، سبب به وجود آمدن بسیاری از علوم گشته است. از جمله علمی که ارتباطی ناگسستنی با قرآن کریم دارد، علم بلاغت و علم صرف و نحو می‌باشد. بر همین اساس، بسیاری از دانشمندان و محققان، در زمینه اسلوب و ویژگی‌های سبکی قرآن کریم پژوهش‌هایی را سامان داده‌اند. تضمین نحوی یکی از سبک‌های پرکاربرد در قرآن می‌باشد که محققان قدیم و جدید بدان پرداخته‌اند؛ هر چند احصاء آن آثار در این موجد امکان‌پذیر نیست، اما برای آشنایی بیشتر به چند نمونه اشاره می‌شود. در میان پیشینیان، نخستین کسی که این موضوع را در بابی جدا مطرح کرد، ابوالفتح بن جنی (۳۹۲هـ) است. وی می‌نویسد: «این بابی است که مردم آن را ساده و پیش پا افتاده می‌انگارند و چقدر دور از حقیقت هستند!» (ابن جنی، ۱۴۲۹: ۲، ۹۱) از جمله کتبی که به صورت مستقل موضوع تضمین نحوی را بررسی کرده است، کتاب *التضمین النحوی فی القرآن الکریم* تألیف محمدنیدم فاضل می‌باشد و همچنین مقالاتی نیز به بحث و بررسی این موضوع پرداخته‌اند که از این ننگاشته‌ها می‌توان موارد زیر را برشمرد: «تضمین نحوی و اقسام آن در قرآن» از محمدهادی زبرجد و بتول علوی که در سال ۱۳۹۳ منتشر شده است. «روش‌شناسی ترجمه تضمین نحوی در برخی ترجمه‌های معاصر قرآن» از علی حاجی‌خانی و توحید پاشایی که در سال ۱۳۹۲ به چاپ رسیده است. «نگاهی به مسأله تضمین کلمات در زبان عربی» از زانوس احمدپاشا که در سال

۱۳۸۸ به طبع رسیده است. با تامل و مداقه در آثار نگاشته شده ملاحظه می شود که اثر مستقلى که به معادل یابی تضمین نحوی افعال در یک سوره و در ترجمه های مشخص پردازد، یافت نمی شود. بر همین اساس به نظر می رسد موضوع مقاله حاضر به نوعی بدیع و تازه است.

۱-۴- روش و ابزار پژوهش

روش تحقیق به کار گرفته شده در پژوهش حاضر، روش توصیفی - تحلیلی است. این پژوهش نخست به کشف و بررسی افعالی که در سوره مبارک بقره دارای تضمین نحوی می باشد، اهتمام ورزیده و سپس با رویکرد معادل یابی به برابری افعال یاد شده در ترجمه های مشکینی و مکارم می پردازد و ضمن ارزیابی و مقایسه دو ترجمه به پیشنهاد ترجمه ای بر مبنای تضمین نحوی می پردازد.

۲- مفهوم شناسی

۲-۱- تضمین در لغت

تضمین از ریشه "ضمن" است. "ضمن" در لغت به معنای کفالت و متعهد شدن است (ابن منظور، ۱۴۱۶: ۱۳، ۲۵۷) تضمین مصدر فعل "ضَمَّنَ" از باب تفعیل است. "ضَمَّنَ الشَّيْءَ" یعنی چیزی را در چیزی جای داد؛ مانند اینکه متاعی را در درون ظرفی یا مرده را در قبر جای دهند. (ابن فارس، ۱۳۸۷: ۵، ۲۴۶) ضَمَّنَ: ضَمَّنَهُ الشَّيْءَ؛ آن را به او سپرد و او را تاوان داد. (بستانی، ۱۳۷۵: ۵۷۱)

۲-۲- تضمین در اصطلاح

نحویان تضمین را با تعریف های نزدیک به هم معرفی کرده اند. ابن هشام در معنی اللیب می گوید: «تضمین عبارت است از این که به لفظی، معنای لفظ دیگر تزریق شود و حکم لفظ دوم را به آن بدهند و بدین صورت لفظ واحد در بردارنده دو معنا گردد.» (ابن هشام، ۱۹۷۹: ۲، ۸۹۷) حسن عباس در النحو الوافی به نقل از برخی نحویان، تضمین را چنین تعریف می نماید: «تضمین آن است که لفظ در اصل در معنای خود به کار رود و به تبع آن مفید معنای مناسب دیگری باشد؛ بدون آنکه آن لفظ استعمال گردد یا در تقدیر گرفته شود.» همچنین وی به نقل از بعضی دیگر می گوید: «تضمین قرار دادن لفظی به جای لفظ دیگر است؛ زیرا در بردارنده معنای لفظ دوم است. تضمین الحاق یک ریشه به ریشه دیگری است از نظر حکم؛ به طوری که معنای ریشه اولی در دومی گنجانده شود و آن دو معنی می توانند مترادف یا متناسب باشند.» (عباس، ۱۹۷۵: ۲، ۵۶۴) ابوالقاء عکبری در الکلیات می گوید: «تضمین اشراب و اعطای معنای فعلی به فعل دیگر است تا با فعل اول

همانند فعل دوم برخوردار شود؛ به عبارت دیگر تضمین آن است که لفظی بدون ذکر لفظ دیگر، معنایی بیش از استحقاق خود را در بر گیرد.» (عکبری، ۲۶۶) سیوطی در کتاب *اشباه و نظایر* تضمین را این‌گونه تعریف می‌کند: «لفظی به جای لفظ دیگر قرار بگیرد؛ چون در بر دارنده معنای لفظ دوم است.» (سیوطی، ۱۴۰۶: ۱، ۲۴۱) همچنین زرکشی می‌گوید: «تضمین عبارت است از دادن معنای لفظی به لفظ دیگر.» (زرکشی، بی‌تا: ۳۳۸) بر این اساس، تعریف نهایی تضمین چنین است: «تضمین عبارت است از اینکه معنای لفظی در لفظ دیگر گنجانده شود؛ به طوری که علاوه بر در بر داشتن معنای دو لفظ، حکم لفظ دوم را به خود اختصاص دهد.» (فاضل، ۱۴۲۶: ۱، ۹۷) مثلاً فعل «رَحِبَ» بنا بر استعمال لغوی، فعلی لازم است؛ مانند این آیه شریف که می‌فرماید: ﴿وَوَضَّعَتْ عَلَيْنَا الْأَرْضُ بِمَا رَحِبَتْ﴾ (توبه/۲۵) «و زمین با همه فراخی بر شما تنگ گردید.» اگر گفته شود: «رحبتکم الدار» در این صورت «رَحِبَتْ» متضمن معنای «وسع» گشته و مثل آن متعدی شده است. (عباس، ۱۹۷۵: ۲، ۵۶۵)

۲-۳- فواید تضمین نحوی

فراگیرترین و روشن‌ترین فایده بلاغی تضمین، ایجاز و توسع در معناست که گوینده بلیغ با توسل به آن، بدون اینکه واژه‌ها را به کار برد، به انتقال مفاهیم دست می‌یابد. ابن هشام گفته است: «گاهی عرب‌ها به لفظی معنای لفظی دیگر را می‌پوشانند و به لفظ اول حکم لفظ دوم را اعطاء می‌کنند که به آن تضمین می‌گویند و فایده آن، این است که کلمه‌ای معنای دو کلمه را در آن واحد تأدیه می‌کند.» وی سپس از زمخشری نقل می‌کند که گفته است: «آیا نمی‌بینی که معنای «لَا تَعُدُّ» در آیه شریف ﴿وَلَا تَعُدُّ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ﴾ (کهف/۲۸)؛ «و دو دیده‌ات را از آنان بر مگیر» را که به معنای «لَا تَقْتَحِم» است و تضمین آن چنین می‌شود: «وَلَا تَقْتَحِم عَيْنَاكَ مُجَاوِزَتَيْنِ إِلَى غَيْرِهِمْ.» (ابن هشام، ۱۹۷۹: ۲، ۸۹۷)

۳- انواع تضمین نحوی

۳-۱- تضمین در اسم

تضمین در اسم یعنی اینکه در معنای حقیقی و وضعی اسم، تصرف و معنای دیگری متناسب با جمله در آن اشراب کنیم؛ به عبارت دیگر یعنی اسمی، معنای اسم دیگر را در بر گرفته و معنای هر دو را افاده کند. (نجفی، ۱۳۸۶: ۴۷) مانند ﴿أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَىٰ نِسَائِكُمْ﴾ (بقره/۱۸۷) که در آن، کلمه «الرفث» که در کهن‌ترین لغت‌نامه عرب به معنای «جماع» آمده است، (فراهیدی، ۱۳۷۵: ۱، ۶۹۵) در این آیه با حرف «الی» همراه شده است؛ حال آنکه در اصل با حرف «باء» می‌آید. از این رو متضمن معنای افشاء که در لغت به معنای خلوت کردن با دیگری است که در اینجا خلوت مرد با همسر است. (طبرسی، ۱۳۷۷: ۱،

۱۰۵) برخی دیگر از لغویان نیز بر آنند که "افضاء" این است که مرد با زن خلوت کند؛ خواه با او در آمیزد، خواه نیامیزد. (طریحی، ۱۳۷۵: ۳۳۱) نیز به معنای خالی و رها بودن از قید است. لذا متعدی به "الی" شده است. (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۱۱) مانند آیه ﴿وَقَدْ أَفْضَىٰ بَعْضُكُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ﴾ (نساء/۲۱) «درحالی که شما با یکدیگر تماس و آمیزش کامل داشته‌اید». "رفث" سخنی است متضمن چیزی که ذکر آن قبیح است؛ به همین سبب با حرف جر "الی" به کار رفته است و "افضاء" بدان جهت با حرف جر "الی" متعدی می‌شود که به معنای انضمام و تماس است. (جوادی، ۱۳۸۹: ۹، ۴۴۸)

۲-۳- تضمین در فعل

تضمین افعال جایی است که فعلی متضمن معنای فعل دیگری باشد؛ یعنی معنای دو فعل در آن باشد؛ مانند فعلی که با حرفی متعدی شود، در حالی که عادتاً با آن متعدی نمی‌شود. بنابراین، لازم است یا خود فعل تأویل شود یا آن حرف به حرفی تأویل شود که عادتاً تعدیه با آن انجام می‌شود. (نجفی، ۱۳۸۶: ۴۶) مانند: ﴿عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ﴾ (انسان/۶) که در اینجا "یشرب" با حرف جر "باء" متعدی شده است؛ در حالی که فعل "یشرب" یعنی نوشیدن، متضمن معنای "یروی" یعنی سیراب شدن است؛ لذا "یشرب" با حرف "باء" متعدی نمی‌شود. پس آیه در صدد بیان این مطلب است که عباد الله هم می‌نوشند و هم سیراب می‌شوند.

۳-۳- تضمین در حرف

تضمین در حروف به این معناست که حرفی، معنای حقیقی و مجازی را با هم داشته باشد. در اینکه آیا در حرف هم تضمین صورت می‌گیرد، اختلاف است و ممکن است برخی به اشتباه این را با جایگزینی یک حرف با حرف دیگر یکسان بدانند. (نجفی، ۱۳۸۶: ۷۲) مانند: ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا﴾ (نساء/۸۷) تضمین در این آیه مربوط به عبارات "إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ" است که "الی" در معنی "فی" به کار رفته است؛ یعنی همه شما را در روز قیامت جمع می‌سازد.

۴- تضمین در افعال سوره مبارک بقره

۴-۱- ﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾ (بقره/۳)

مکارم: (پرهیزکاران) کسانی هستند که به غیب [آنچه از حس پوشیده و پنهان است]، ایمان می‌آورند و نماز را بر پا می‌دارند و از تمام نعمت‌ها و مواهبی که به آنان روزی داده‌ایم، انفاق می‌کنند.

مشکینی: آن‌ها که به غیب ایمان دارند (به امور پنهان از حواس مانند خدا، وحی، فرشتگان

و معاد) و نماز را بر پا می‌کنند (خضوع در برابر حق دارند) و از آنچه به آن‌ها روزی داده‌ایم، انفاق می‌نمایند.

تحلیل و ترجمه پیشنهادی

تضمین در این آیه به لفظ "يُؤْمِنُونَ" مربوط می‌باشد. عبدالسلام می‌گوید: «تضمین فعل "آمن" یعنی به غیب اقرار می‌کنند برای افاده معنای تصدیق به قلب و اقرار به زبان؛ مثل آیه شریف ﴿ءَامَنُوا بِاللّٰهِ﴾ (نساء/۳۹) که به معنای تصدیق و حدانیت الله تعالی و اقرار بدان است.» (هارون، بی تا: ۵۶) با این توصیف این آیه شریف چنین معنا می‌شود:

کسانی هستند که به غیب اقرار یا اعتراف می‌کنند (تصدیق و حدانیت الله تعالی و اقرار بدان) و نماز را بر پا می‌دارند و از تمام نعمت‌ها و مواهبی که به آنان روزی داده‌ایم، انفاق می‌کنند.

با بررسی ترجمه‌ها مشاهده می‌شود که آقایان مکارم و مشکینی هیچ‌کدام معنای تضمینی را رعایت نکرده‌اند.

۴-۲ ﴿وَإِذْ لَقُوا الَّذِينَ ءَامَنُوا قَالُوا ءَامَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شِيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزَءُونَ﴾ (بقره/۱۴)

مکارم: و هنگامی که افراد باایمان را ملاقات می‌کنند و می‌گویند: «ما ایمان آورده‌ایم!» (ولی) هنگامی که با شیطان‌های خود خلوت می‌کنند، می‌گویند: «ما با شما ایم! ما فقط (آنها) را مسخره می‌کنیم!»

مشکینی: و چون با کسانی که ایمان آورده‌اند دیدار کنند، گویند: ما ایمان آوردیم و هنگامی که با شیطان‌های خود (باران سرکش خود) خلوت کنند، گویند: بی‌تردید ما با شما ایم؛ جز این نیست که ما (آن‌ها را با اظهار ایمان) مسخره می‌کنیم.

تحلیل و ترجمه پیشنهادی

تضمین در این آیه مربوط است به عبارت: "خَلَوْا". شوکانی معتقد است که فعل "خلا" با حرف جر "باء" متعدی می‌گردد و چون با حرف جر "إلى" متعدی شده است، متضمن معنای "انصرفتوا"، "ذهبوا" یا "اصغوا" است. (شوکانی، ۱۴۱۴: ۱، ۵۲) که چنین معنا می‌شود: «و هنگامی که به سوی دوستان گمراه خود می‌روند، می‌گویند...»

آقایان مکارم و مشکینی هر دو واژه "خَلَوْا" را به معنای خلوت کردن معنا کرده‌اند که موجب از بین رفتن معنای تضمینی شده است و بهتر بود آن را "رفتن" ترجمه می‌کردند.

۴-۳ ﴿وَأَتَقُوا يَوْمًا لَا تَجْرِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا﴾ (بقره/۴۸)

مکارم: و از آن روز بترسید که کسی مجازات دیگری را نمی‌پذیرد. مشکینی: و از روزی پروا کنید که هیچ‌کس از کسی حقی را ادا و حاجتی را روا و عذابی را دفع نمی‌کند.

تحلیل و ترجمه پیشنهادی

تضمین در این آیه مربوط است به عبارت "لَا يَجْرِي"، که هم به معنای "جزا و کیفر و پاداش" است و هم به معنای "کفایت و تکفل" که در اینجا مراد معنای دوم است. (زمخشری، بی تا: ۱، ۶۷) بنابراین ترجمه آن چنین می‌شود: «و بترسید از روزی که هیچ‌کس دیگری را کفایت نمی‌کند و کیفر اعمالش را تحمّل نمی‌کند.»

ترجمه آقای مکارم تا حدودی تضمین را رعایت نموده است، اما در ترجمه آقای مشکینی تضمین به صورت واضح بیان نشده و سعی شده است که با چندین عنوان معنا را تفهیم کند.

۴-۴ ﴿وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ ءَامَنُوا قَالُوا ءَامَنُوا وَإِذَا خَلَا بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ قَالُوا أَتُحَدِّثُونَهُم بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَاجُّوكُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ (بقره/۷۶)

مکارم: و هنگامی که مؤمنان را ملاقات کنند، می‌گویند: «ایمان آورده‌ایم.» ولی هنگامی که با یکدیگر خلوت می‌کنند، (بعضی به بعضی دیگر اعتراض کرده) می‌گویند: «چرا مطالبی را که خداوند (درباره صفات پیامبر اسلام) برای شما بیان کرد، به مسلمانان بازگو می‌کنید تا (روز رستاخیز) در پیشگاه خدا، بر ضد شما به آن استدلال کنند؟! آیا نمی‌فهمید؟!»

مشکینی: و چون کسانی را که ایمان آورده‌اند ملاقات کنند، می‌گویند: ما ایمان آوردیم و وقتی با یکدیگر خلوت می‌کنند، (به یکدیگر) می‌گویند: چرا (از آیات تورات) آنچه را که خدا (علمش را) بر شما گشوده (مانند آیاتی که صفات پیامبر اسلام و صدق او را بیان می‌کند) به مسلمانان بازگو می‌کنید تا با همین حکم نزد پروردگارتان با شما مواجه کنند (و پیروز شوند)؟! آیا نمی‌اندیشید؟

تحلیل و ترجمه پیشنهادی

تضمین در این آیه به فعل "خَلَا" مربوط است. ابوحنیفان معتقد است که فعل "خَلَا" با حرف جر "إلى" متعدی می‌گردد و چون با حرف جر "إلى" متعدی شده است، متضمن معنای "انضوی و استکان" به معنای "تسلیم شدن و زیر بار رفتن" است؛ به خاطر اینکه تضمین افعال نسبت به تضمین حروف اولی است. (اندلسی، ۱۴۲۰: ۱، ۲۷۳) لذا چنین

معنا می شود: «این یهودیان هنگامی که مؤمنان را ملاقات می کنند، می گویند: «ما هم ایمان آورده ایم»، ولی هنگامی که به سوی یکدیگر می روند و بعضی در برابر بعضی دیگر تسلیم می شوند و زیر بار سخنان آنها می روند، می گویند: «چرا حقایقی را که خداوند در تورات (درباره پیامبری محمد و اوصاف و مشخصات او) برای شما فاش کرده به مسلمانان بازگو می کنید تا آنها بتوانند در پیشگاه خداوند علیه شما به آن اخبار استناد کنند؟ آیا عقل خود را به کار نمی بندید؟»

ملاحظه می شود که در تراجم مذکور فعل "خلا" به معنای خلوت کردن ترجمه شده است؛ در حالی که معنای تضمینی همان تسلیم شدن و زیر بار رفتن است.

۴-۵ ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَ قَفَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ﴾ (بقره/۸۷)

مکارم: ما به موسی کتاب (تورات) دادیم و بعد از او پیامبرانی پشت سر هم فرستادیم. مشکینی: و تحقیقاً ما به موسی کتاب (آسمانی) دادیم و پس از او فرستادگانی را پشت سر هم فرستادیم.

تحلیل و ترجمه پیشنهادی

تضمین در این آیه به عبارت "قَفَّيْنَا" مربوط است که در اینجا متضمن معنای "جئنا؛ آورده ایم" می باشد؛ یعنی «و جئنا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ يَقْفُو بَعْضُهُمْ بَعْضًا» (شبر، ۱۴۰۷: ۱، ۱۲۰) بنابراین، این آیه شریف چنین معنا می شود: «ما از پی او پیامبران بسیاری را پشت سر هم آورده ایم.»

هر دو مترجم محترم به جای لفظ "آورده ایم" از لفظ "فرستادیم" در ترجمه استفاده کرده اند. لذا معنای تضمینی را لحاظ نکرده اند.

۴-۶ ﴿أَوْ كَلَّمَا عَاهَدُوا عَهْدًا نَبَذَهُ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ (بقره/۱۰۰)

مکارم: و آیا چنین نیست که هر بار آنها [یهود] پیمانی (با خدا و پیامبر) بستند، جمعی آن را دور افکندند (و مخالفت کردند). آری، بیشتر آنان ایمان نمی آورند. مشکینی: و چرا (چنین است که) هر زمان معاهده ای (با خدا و پیامبرانش) بستند، گروهی از آنها، آن را شکستند؟! (اینها نه تنها عهد می شکنند)، بلکه بیشترشان ایمان نمی آورند.

تحلیل و ترجمه پیشنهادی

تضمین در این آیه به عبارت "عَاهَدُوا" مربوط است. آلوسی (آلوسی، بی تا: ۲، ۲۳۵) و عکبری (عکبری، ۱۴۱۹: ۱، ۳۰) می گویند: معنای تضمینی "عَاهَدُوا"، عبارت "أَعْطُوا؛ عطایشان کنند یا چیزی داده شوند" است که بر این اساس چنین معنا می شود: «آیا هر بار که

پیمانی داده شوند (یا عطایشان کنند)، مگر چنین نیست که یک دسته از اینها پیمان را ندیده انگاشته و به آن عمل نمی‌کنند؟ بلکه بیشترشان ایمان نمی‌آورند.»

هر دو مترجم محترم به جای لفظ داده شوند یا عطایشان کنند، از لفظ بستند در ترجمه استفاده کرده‌اند. لذا معنای تضمینی را به درستی لحاظ نکرده‌اند.

۷-۴ ﴿وَاللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾ (بقره/۱۰۵)

مکارم: در حالی که خداوند، رحمت خود را به هر کس بخواهد، اختصاص می‌دهد.

مشکینی: در حالی که خداوند هر کس را بخواهد، مخصوص رحمت خود می‌کند.

تحلیل و ترجمه پیشنهادی

تضمین در این آیه به عبارت: "يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ" مربوط است. ممکن است فعل "يَخْتَصُّ" لازم باشد و متضمن معنای "نیفرد" باشد یا اینکه متعدی باشد و متضمن معنای "نیفرد؛ برگزیدن و انتخاب کردن" باشد. (اندلسی، ۱: ۱۴۲۰، ۳۴۰) که در این صورت چنین معنا می‌شود: «خداوند تعالی هر که را بخواهد به رحمت خود اختصاص می‌دهد و برای نبوت اختیار می‌کند و بر می‌گزیند.»

هر دو مترجم معنای تضمینی را لحاظ نکرده‌اند؛ زیرا در ترجمه لفظ "يَخْتَصُّ" معنای دیگری را به کار نبرده‌اند.

۸-۴ ﴿وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنُعَلِّمَ مَن يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّن يَنْقَلِبُ عَلٰى عَقْبَيْهِ﴾ (بقره/۱۴۳)

مکارم: و ما، آن قبله‌ای را که قبلاً بر آن بودی، تنها برای این قرار دادیم که افرادی که از پیامبر پیروی می‌کنند، از آن‌ها که به جاهلیت باز می‌گردند، مشخص شوند.

مشکینی: و ما قبله‌ای را که بر آن بودی (بیت المقدس را) قرار نداده بودیم؛ جز برای آنکه کسی را که پیروی از این پیامبر می‌کند، از کسی که به عقب باز می‌گردد (و در قبله سابق باقی می‌ماند)، بازشناسیم (علم ازلی ما منطبق به معلوم خارجی شود).

تحلیل و ترجمه پیشنهادی

تضمین در این آیه به عبارت "لِنُعَلِّمَ" مربوط است. آלוسی در این مورد می‌گوید: «لفظ "علم" مضمّن معنای "تمییز" است.» (آلوسی، بی تا: ۲، ۶) مقصود از اینکه فرموده است «تا اینکه ما بدانیم» همان امتحان و آزمایش است و چون آزمایش اغلب سبب علم می‌شود، در اینجا مسبب یعنی علم را به جای سبب یعنی آزمایش قرار داده و این نحو استعمال در کلام عرب بسیار دیده می‌شود. (ابو الفتوح، ۱۴۰۸: ۲، ۲۰۴) پس چنین معنا می‌شود: «ما قبله‌ای را

که بر آن بودی، تغییر ندادیم؛ مگر برای اینکه بیازماییم و جدا سازیم گروهی را که از پیغمبر خدا پیروی می‌کنند، از آنان که عقبگرد کنند و به مخالفت با او برخیزند.»
در تراجم هر دو مترجم لفظ تضمینی استعمال نشده است.

۹-۴ ﴿وَلِكُلِّ وِجْهَةٍ هُوَ مُوَلِّئُهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (بقره/۱۴۸)

مکارم: هر طایفه‌ای قبله‌ای دارد که خداوند آن را تعیین کرده است (بنابراین، زیاد درباره قبله گفتگو نکنید! و به جای آن،) در نیکی‌ها و اعمال خیر بر یکدیگر سبقت جوید! هر جا باشید، خداوند همه شما را (برای پاداش و کیفر در برابر اعمال نیک و بد، در روز رستاخیز) حاضر می‌کند؛ زیرا او بر هر کاری تواناست.

مشکینی: و برای هر گروهی قبله‌ای است که (روی خود) بدان سوی می‌گردانند (یهود به بیت المقدس، نصاری به مشرق، مسلمین به کعبه) پس (در آن نزاع نکنید و) به سوی کارهای خیر سبقت جوید. هر جا که باشید، خداوند همه شما را (به صحنه محشر) خواهد آورد (تا جزای عمل دهد). همانا خداوند بر همه چیز تواناست.

تحلیل و ترجمه پیشنهادی

تضمین در این آیه به عبارت "فَاسْتَبِقُوا" مربوط است که امر در "اسْتَبِقُوا" امر ارشادی است، نه مولوی؛ یعنی به حکم عقل بر انسان لازم است به خیرات بشتابد هر قدر که می‌تواند. (طیب، ۱۳۷۸: ۲، ۲۴۳) سبقت در کار خیر، ارزش آن را افزایش می‌دهد. در قرآن واژه‌های "سَارِعُوا"، "سَابِقُوا" و "اسْتَبِقُوا" در مورد کار خیر به کار رفته است. بنابراین این آیه چنین معنا می‌شود: «در انجام دادن اعمال نیک و طاعات و عبادات مبادرت و تعجیل کنید.»

آقایان مکارم و مشکینی برای لفظ "فَاسْتَبِقُوا" معنای سبقت جوید را به کار برده‌اند؛ در حالی که به حکم آنچه که بیان شد، معنای دیگری نیز دارد و آن سرعت گرفتن، شتاب نمودن و پیشقدم بودن می‌باشد.

۱۰-۴ ﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ﴾ (بقره/۱۷۸)

مکارم: حکم قصاص در مورد کشتگان، بر شما نوشته شده است.

مشکینی: بر شما درباره کشته‌شدگان (به عمد، حکم) قصاص نوشته و مقرر شده.

تحلیل و ترجمه پیشنهادی

تضمین در این آیه به عبارت "كُتِبَ" مربوط است که تضمین آن به معنای فرض و واجب

بودن است. (هارون، بی تا: ۵۷) که چنین معنا می شود: «حکم قصاص درباره کشته شدگان بر شما فرض و واجب گردید.»

آقای مکارم تضمین را رعایت ننموده است، اما آقای مشکینی هر دو معنا یعنی هم نوشتن و هم فرض بودن را در ترجمه لحاظ کرده اند.

۴-۱۱- ﴿وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ﴾ (بقره/۱۸۵)

مکارم: و خدا را بر اینکه شما را هدایت کرده، بزرگ بشمرید.

مشکینی: و خدا را به پاس آنکه شما را هدایت نموده، تکبیر گویند و بزرگ شمارید.

تحلیل و ترجمه پیشنهادی

تضمین در این آیه به عبارت "لِتُكَبِّرُوا" مربوط است. فعل "كَبَّرَ" به وسیله حرف جر "علی" متعدی می شود، لیکن متضمن معنای حمد و سپاس می گردد. (زمخشری، بی تا: ۱، ۳۳۷) "تکبروا" به معنای "تعظموا" است. تعظیم و بزرگداشت الله تعالی به وسیله حمد و ثنای اوست و این به خاطر هدایتی است که در حق بندگان روا داشته است. (عمادی، بی تا: ۱، ۲۰۰) لذا این چنین معنا می شود: «و خداوند را به خاطر نعمت هدایتی که به شما عطا فرموده، حمد و ثنا گویند.»

هیچ کدام از مترجم ها معنای حمد و سپاس را به کار نبسته اند.

۴-۱۲- ﴿فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ﴾ (بقره/۱۹۷)

مکارم: کسانی که (با بستن احرام و شروع به مناسک حج)، حج را بر خود فرض کرده اند.

مشکینی: پس کسی که در این ماه ها حج را (به واسطه بستن احرام، بر خود) واجب ساخت.

تحلیل و ترجمه پیشنهادی

تضمین در این آیه به عبارت "فَرَضَ فِيهِنَّ" مربوط است. استعمال "فِيهِنَّ" به خاطر آن است که لازمه به جا آوردن حج تنها در ماه های معینی نزد مردم که همان شوال، ذی القعدة و ذی الحجه است، باشد. همچنان که ابن عباس می گویند: «اگر در غیر این ماه ها باشد، آوردن این لفظ خالی از فایده می بود.» (آلوسی، بی تا: ۱، ۴۸۲) بنابراین چنین معنا می شود: «حج در ماه هایی معلوم و مشخص است، پس هر کس که در آن ماه ها فریضه حج می گزارد...» آقای مشکینی در ترجمه لفظ "فِيهِنَّ" معنای تضمینی را رعایت نموده اند، اما آقای مکارم تضمین را رعایت ننموده است.

۱۳-۴ ﴿وَإِنْ تَخَالَطُوهُمْ فَاِخْوَانُكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَعْنَتَكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ (بقره/۲۲۰)

مکارم: و اگر زندگی خود را با زندگی آنان بیامیزید، (مانعی ندارد) آن‌ها برادر (دینی) شما هستند. (و همچون یک برادر با آن‌ها رفتار کنید!) خداوند، مفسدان را از مصلحان، بازمی‌شناسد. و اگر خدا بخواهد، شما را به زحمت می‌اندازد (و دستور می‌دهد در عین سرپرستی یتیمان، زندگی و اموال آن‌ها را به کلی از اموال خود، جدا سازید ولی خداوند چنین نمی‌کند)؛ زیرا او توانا و حکیم است.

مشکینی: [آری، تا] درباره [آنچه به صلاح] دنیا و آخرت [است] بیندیشید. و از تو درباره یتیمان می‌پرسند، بگو: اصلاح امور آنان بهتر است و اگر با آنان معاشرت کنید و امورتان را با امورشان بیامیزید [کاری خداپسندانه است] آنان برادر دینی شما هستند و خدا افسادگر [در امور یتیم] را از اصلاح‌گر بازمی‌شناسد. و اگر خدا می‌خواست شما را [در تکلیف و مسئولیت نسبت به مال و جان یتیم] به زحمت می‌انداخت؛ مسلماً خدا توانای شکست‌ناپذیر و حکیم است.

تحلیل و ترجمه پیشنهادی

تضمین در این آیه به فعل "يَعْلَمُ" مربوط است که با حرف "من" آمده و متعدی شده است. بنابراین فعل متضمن معنای فعل "يَمِيزُ" یعنی "جدا می‌کند و مشخص می‌نماید" است. (صافی، ۱۹۹۸: ۱، ۴۵۶) لذا این آیه شریف چنین معنا می‌شود: «خداوند شخص مفسد را از شخص مصلح معلوم و جدا می‌کند.»

با مشاهده تراجم ملاحظه می‌شود که معنای فعل متضمن که همان "یَمِيزُ" است، در هیچ کدام از ترجمه‌ها اعمال نشده است.

۱۴-۴ ﴿الَّذِينَ يُؤْلُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ فَإِنْ فَاءُ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (بقره/۲۲۶)

مکارم: کسانی که زنان خود را "ایلاء" می‌نمایند [سوگند یاد می‌کنند که با آن‌ها، آمیزش جنسی ننمایند،] حق دارند چهار ماه انتظار بکشند. (و در ضمن این چهار ماه، وضع خود را با همسر خویش، از نظر ادامه زندگی یا طلاق، روشن سازند.) اگر (در این فرصت،) بازگشت کنند، (چیزی بر آن‌ها نیست؛ زیرا) خداوند، آمرزنده و مهربان است.

مشکینی: برای کسانی که برای دوری از زنان خود (به قصد آزار آن‌ها) سوگند یاد می‌کنند (که بیش از چهار ماه با آن‌ها آمیزش جنسی نکنند)، چهار ماه مهلت است. پس اگر بازگشتند (و کفاره دادند و همبستر شدند)، همانا خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است. (این سوگند گرچه بر امر حرام و خود نیز حرام است؛ لکن منعقد می‌شود و باطل کردن و دادن کفاره واجب می‌گردد.)

تحلیل و ترجمه پیشنهادی

تضمین در این آیه به عبارت "يُولُونَ مِنْ نَسَائِهِمْ" مربوط است. فعل "يُولُونَ" با حرف جر "من" متعدی گردیده و متضمن و در بردارنده معنای "ابتعد" است و منظور از سوگند این افراد این است که از مباشرت با زنان خود دوری کنند. (جوادی، ۱۳۸۹: ۱۱، ۲۳۱) که چنین معنا می‌شود: «کسانی که سوگند یاد می‌کنند از مباشرت با همسران خود دوری گزینند...»

آقای مکارم در ترجمه معنای تضمینی را در داخل کروشه بیان کرده‌اند که چندان مناسب نیست، اما آقای مشکینی تضمین را در این مورد رعایت نموده است.

۴-۱۵ ﴿وَلَا تَعْرَمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ﴾ (بقره/۲۳۵)

مکارم: اقدام به ازدواج ننمایید تا عده آن‌ها سر آید.
مشکینی: و هرگز تصمیم بستن عقد زوجیت نگیرید تا عده مقرر به پایان رسد.

تحلیل و ترجمه پیشنهادی

تضمین در این آیه به عبارت "تَعْرَمُوا" مربوط است. لفظ "عزم" در اصل متعدی به حرف جر "علی" است، لیکن در این آیه شریف معنای "نوی؛ نیت، قصد" یا "اوجب" را تضمین نموده است و به همین علت متعدی بنفسه گردیده است. (فاضل، ۱۴۲۶: ۱، ۴۷۸) در واقع نهی از انجام عقد ازدواج به صورت مؤکد است؛ یعنی حتی نیت چنین کاری را در زمان عده نکنید. (طبرسی، ۱۳۷۷: ۱، ۱۳۰) لذا چنین معنا می‌شود: «قصد و نیت ازدواج ننمایید تا عده آن‌ها به سر آید.»

در تراجم مذکور هیچ ذکری از قصد و نیت نشده است، بلکه عیناً عمل ازدواج را استعمال نموده‌اند.

۴-۱۶ ﴿الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ﴾ (بقره/۲۴۳)

مکارم: آیا ندیدی جمعیتی را که از ترس مرگ، از خانه‌های خود فرار کردند؟ و آنان، هزارها نفر بودند (که به بهانه بیماری طاعون، از شرکت در میدان جهاد خودداری نمودند). خداوند به آنها گفت: بمیرید! (و به همان بیماری که آن را بهانه قرار داده بودند، مردند). سپس خدا آن‌ها را زنده کرد (و ماجرای زندگی آن‌ها را درس عبرتی برای آیندگان قرار داد). خداوند نسبت به بندگان خود احسان می‌کند، ولی بیشتر مردم، شکر (او را) به جا نمی‌آورند.

مشکینی: آیا (به دیده عبرت) ننگریستی به کسانی که از خانه‌های خود در حالی که هزاران

نفر بودند، از بیم مرگ (و برای فرار از جهاد) بیرون آمدند. پس خداوند به آن‌ها گفت: «تن به مرگ بسپارید» آنگاه آنان را زنده ساخت. آری، خداوند نسبت به مردم صاحب بخشش است، ولی بیشتر مردم سپاس‌گزاری نمی‌کنند.

تحلیل و ترجمه پیشنهادی

تضمین در این آیه به عبارت "أَلَمْ تَرَ" مربوط است. کلمه "رؤیت" که مصدر فعل "تری" است و به معنای دیدن است، در اینجا به معنای دیدن نیامده، بلکه به معنای علم آمده است و لذا فعل "رأی" اگر به معنای دیدن با چشم باشد، متعدی به یک مفعول است، اما گر به معنای دیدن قلبی باشد، متعدی به دو مفعول است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲، ۴۲۲) پس چنین معنا می‌شود: «آیا ندانستی و نشنیدی داستان آنان که هزاران نفر بودند و از بیم مرگ، از دیار خویش بیرون شدند که خدا به ایشان گفت بمیرید، آنگاه زنده‌شان کرد؛ که خدا بر مردم کریم است، ولی بیشتر مردم سپاس‌گزاری نمی‌کنند.

با مشاهده تراجم ملاحظه می‌شود که معنای متضمن فعل "تری" در هیچ‌کدام از ترجمه‌ها اعمال نشده است.

۴-۱۷- ﴿قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ﴾ (بقره/۲۶۰)

مکارم: فرمود: در این صورت، چهار نوع از مرغان را انتخاب کن! و آن‌ها را (پس از ذبح کردن)، قطعه قطعه کن (و در هم بیامیز)!

مشکینی: گفت: پس چهار (نوع) پرند بگير و آن‌ها را به خود نزدیک گردان (تا علائم جسمی آن‌ها را به دقت ببینی) و ریز ریز (و مخلوط به هم) کن.

تحلیل و ترجمه پیشنهادی

تضمین در اینجا در عبارت "فَصُرْهُنَّ" است. در این آیه شریف فعل "صرهن" به معنای "قطع" یعنی همان قطعه قطعه کردن است و اگر با حرف جر "الی" متعدی به مفعول دوم شود، دلیل بر آن نیست که به معنای "متمایل کردن" باشد، بلکه برای این است که کلمه نامبرده علاوه بر معنای "قطع کردن" متضمن معنای "آمال؛ به طرف خودکشیدن و متمایل کردن" نیز می‌باشد. این تضمین بیان می‌کند که حضرت ابراهیم (علیه السلام) آن چهار حیوان را به خود عادت داد تا پس از زنده شدن، هنگامی که آن‌ها را به سوی خویش فرا می‌خواند، با او مانوس باشند و به سوی وی گرایش پیدا کنند. (جوادی، ۱۳۸۹: ۱۲، ۳۸) لذا چنین معنا می‌شود: «پس چهار نوع از مرغان را بگير و آن‌ها را به سوی خود متمایل کن و آن‌ها را قطعه قطعه کن.»

هیچ‌کدام از ترجمه‌های مذکور معنای تضمینی را رعایت نکرده است.

۱۸۴- ﴿وَمِثْلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أَكْثَلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطُلٌّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ (بقره/۲۶۵)

مکارم: و (کار) کسانی که اموال خود را برای خوشنودی خدا و تثبیت (ملکات انسانی در) روح خود انفاق می‌کنند، همچون باغی است که در نقطه بلندی باشد و باران‌های درشت به آن برسد (و از هوای آزاد و نور آفتاب، به حد کافی بهره گیرد) و میوه خود را دو چندان دهد (که همیشه شاداب و باطراوت است) و خداوند به آنچه انجام می‌دهید، بیناست.

مشکینی: و مثل (انفاقات) کسانی که اموالشان را برای طلب خوشنودی خدا و استوارسازی روحشان (در ایمان و عمل) انفاق می‌کنند، مثل باغی است در جایی مرتفع که باران تندی بدان رسیده، پس میوه خود را دوچندان داده باشد. پس اگر باران تندی نرسیده، باران نرمی رسیده (و بی‌گیا نه مانده است) و خداوند به آنچه عمل می‌کنید، بیناست.

تحلیل و ترجمه پیشنهادی

تضمین در این آیه به عبارت "و تَثْبِيتًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ" مربوط است. "تثبیت" به معنای "تصدیق و یقین" است؛ یعنی با چنین حالتی انفاق می‌کنند. بعضی دیگر گفته‌اند: "تثبیت"، که به معنای استوار کردن است، در اینجا به معنای داشتن بصیرت آمده است و معنای جمله چنین می‌شود که مال خود را با بصیرت انفاق می‌کنند. بعضی دیگر گفته‌اند: منظور این است که تأمل و دقت می‌کنند، اگر دیدند نیتشان خالص برای خدا است، انفاق می‌کنند و اگر دیدند چیزی از ریا هم با نیت برای خدا در دلشان آمیخته شده و خلاصه، هم خدا را در نظر دارد و هم ریا را، از انفاق خودداری می‌کنند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲، ۶۰۰) پس بر اساس مباحث یادشده، آیه شریف چنین معنا می‌شود: «کسانی که اموالشان را از جهت طلب خوشنودی خداوند و با یقین و بصیرت و برای تحکیم ایمانشان انفاق می‌کنند، ...» در این آیه شریف نیز هر دو مترجم محترم معنای فعل مضمّن را به کار نبسته‌اند.

نتیجه‌گیری

- ۱- تضمین در لغت متعهد شدن و در برگیری است و در اصطلاح افاده دو معنا از یک لفظ می‌باشد که فایده آن دامنه‌بخشی و توسع در معنا است.
- ۲- تضمین نحوی شامل سه نوع مختلف از جمله تضمین در اسم، تضمین در فعل و تضمین در حرف می‌باشد که قرآن کریم در بیان و تعابیر خود از هر سه نوع تضمین نحوی استفاده نموده است.
- ۳- بیشترین موارد تضمین در خصوص فعل است. تضمین افعال، در جایی است که فعلی متضمن معنای فعل دیگری باشد؛ یعنی معنای دو فعل در آن باشد.
- ۴- با بررسی انجام‌یافته در افعال سوره مبارک بقره مشخص گردید که هجده فعل از

افعال سوره مذکور دارای معنای متضمن می باشد. با تطبیق افعال دارای تضمین نحوی در ترجمه‌های مشکینی و مکارم روشن می شود که در هر دو ترجمه، جز در مواردی اندک، از بحث تضمین نحوی غفلت شده است.

۵- در میان روش های ترجمه، روش لفظ به لفظ، مناسب ترجمه تضمین نحوی به نظر نمی رسد؛ بلکه روش معنایی و آزاد مفید است. دلیل این امر به اختصار این است که در ترجمه لفظ به لفظ تأکید بر ادای معنای لفظ ظاهری آیه است و به معنای تضمینی که در پس این لفظ وجود دارد، توجه نمی شود. ترجمه تفسیری نیز با اینکه این نقص را در قالب عبارات داخل پراکنش تا حدی جبران می کند، اما دلیلی بر اینکه عبارت داخل پراکنش ناظر به معنای تضمینی است، وجود ندارد و اصولاً قرار دادن معنای تضمینی در پراکنش، صحیح به نظر نمی رسد.

کتابنامه

- قرآن کریم.
- آلوسی، محمود، (بی تا): روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
- ابن فارس، ابوالحسنین احمد بن زکریا، (۱۳۸۷): ترتیب مقایس اللغه، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول.
- ابن جنی، ابوالفتح عثمان، (۱۴۲۹): الخصائص، به کوشش دکتر عبدالحمید هنداوی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن منظور، ابولفضل محمد، (۱۴۱۶): لسان العرب، بیروت: دار احیاء التراث عربی، چاپ اول.
- ابن هشام انصاری، جمال الدین، (۱۹۷۹): مغنی اللیب عن کتب الاعراب، تبریز: مکتب بنی هاشم، چاپ پنجم.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، (۱۴۰۸): روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: آستان قدس رضوی.
- اندلسی، ابوحنان محمد بن یوسف، (۱۴۲۰): بحر المحيط فی التفسیر، به کوشش محمد جمیل صدقی، بیروت: دار الفکر.
- بستانی، فؤاد افرام، (۱۳۷۵): فرهنگ ابجدی، ترجمه رضا مهیار، تهران: انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۹): تفسیر تسنیم، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ اول.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۰۴): الصحاح، بیروت: دار العم للملایین، چاپ سوم.
- زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله، (بی تا): البرهان فی علوم القرآن، قاهره: مکتبه دار التراث.
- زمخشری، محمود بن عمر، (بی تا): الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتب العربیه، چاپ سوم.
- سیوطی، جلال الدین، (۱۴۰۶): الاشباه و النظائر فی نحو، بیروت: مؤسسه الرساله، چاپ اول.
- شبیر، عبدالله، (۱۴۰۷): الجوهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین، تحقیق: محمد بحر العلوم، کویت: مکتبه الألفین، چاپ اول.
- شوکانی، محمد بن علی، (۱۴۱۴): فتح القادیر، بیروت: دار الکلم الطیب، چاپ اول.
- صافی، محمود، (۱۹۹۸): الجدول فی اعراب القرآن و صرفه و بیان، دمشق: دار الرشید.
- طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۷۴): المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین، چاپ پنجم.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۷: تفسیر جوامع الجامع، قم: انتشارات حوزه علمیه، چاپ اول.
- طریحی، فخرالدین، (۱۳۷۵): مجمع البحرین، تهران: کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم.
- طیب، عبد الحسین، (۱۳۷۸): اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات اسلام.

- عاملی، ابراهیم، (۱۳۶۰): تفسیر عاملی، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران: انتشارات صدوق.
- عباس، حسن، (۱۹۷۵): النحو الوافی، قاهره: دار المعارف، چاپ سوم.
- عکبری، أبوالبقاء عبدالله بن الحسین، (۱۴۱۹): الکتبات، بیروت: مؤسسه الرساله، چاپ دوم.
- عمادی، ابوسعود محمد بن محمد، (بی تا): ارشاد عقل سلیم الی مزایا القرآن کریم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فاضل، محمدنمدیم، (۱۴۲۶): التضمین النحوی فی القرآن الکریم، مدینه: دار الزمان، چاپ اول.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۳۷۵): العین، به کوشش ابراهیم سامرائی و مهدی مخزومی، تهران: انتشارات اسوه.
- مصطفوی، حسن، (۱۳۳۸): التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
- نجفی، سید رضا، (۱۳۸۶): «وجه بلاغی تضمین نحوی در زبان عربی»، مشهد: مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- هارون، عبدالسلام، (بی تا)، الاشاره الی الایجاز فی بعض انواع المجاز، دمشق: مطابع دار الفکر.